

شاهنامه فردوسی به تصحیح ملک الشعراء بهار

سیدعلی آل داود

شاهنامه فردوسی [افست چاپ ۱۲۷۶ ق بمبئی] به تصحیح ملک الشعراء بهار، به کوشش علی میرانصاری، تهران، انتشارات اشناد، ۱۳۸۰ش، قطع رحلی.

یکی از چاپ‌های قدیمی شاهنامه فردوسی همان است که به اهتمام و خط محمدابراهیم شیرازی، فرزند محمدحسین خان اولیاء سمیع شیرازی، به سال ۱۲۷۶ در بمبئی به خط نستعلیق و قطع رحلی به وجهی زیبا و شایسته انتشار یافته است. این چاپ در چهار جلد همراه با تصاویر، به انضمام ملحقات و فرهنگ واژه‌ها، کلاً در یک جلد، همراه با تصاویر به طبع رسیده است و همه صفحات متن مجدول است. ممکن است پردازندگان چاپ مشهور امیر بهادر در ایران به آن نظر داشته و از آن به نوعی الگوبرداری کرده‌اند. صفحه‌شمار هر جلد مستقل است. به پایان هر جلد، بخشی، تحت عنوان «فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه»، در چندین صفحه افزوده شده است.

نسخه‌ای از این چاپ در تملک روان‌شاد محمدتقی ملک الشعراء بهار (وفات: اردیبهشت ۱۳۳۰) بوده و او، با آن انسی تام داشته و شاید آنرا مصحح‌ترین چاپ شاهنامه در آن عصر می‌دانسته است. پس از آن‌که در اواسط دوران رضاشاه، بهار گرفتار زندان و تبعید شد، یگانه مونسش، در ایام گرفتاری و تنهایی، همین شاهنامه بود. وی، در این فرصت مغتنم، بارها به دقت آنرا مطالعه کرد. هر وقت نکته‌ای به نظرش می‌رسید در حاشیه، به خط خود، می‌نوشت. این یادداشت‌ها به خطی واضح و گاه زیبا و خوش نوشته شده، و در مواردی، تاریخ و امضای بهار ذیل آنها آمده است. از ملاحظهٔ اجمالی

تاریخ این حواشی چنین برمی آید که شاعر بعضی از آنها را در زندان شهربانی یا روزگار تبعید در شهر اصفهان نوشته است.

بهار، پس از آزادی از زندان، هم‌چنان در اوقات فراغت، از مطالعه و دقت در شاهنامه غافل نماند و در طول ایام، مطالب تازه‌ای در تصحیح ابیات و شرح و معانی لغات و نکات دستوری و بلاغی و تاریخی و ادبی آن در حواشی نوشت. وی، در حل مشکلات شاهنامه، بیش از همه به متون پهلوی و برخی کتب کهن فارسی چون ترجمه تاریخ طبری، مقدمه شاهنامه ابومنصوری و مجمل التواریخ و القصص توجه داشت. از اشارات او چنین برمی آید که وی متون موجود این زبان را می‌شناخت و آنها را با دقت مطالعه کرده بود. بدین‌سان، شاهنامه‌ای از وی به یادگار ماند که از هر حیث درخور توجه و اعتناست. این نسخه، پس از درگذشت بهار، در خاندان او محفوظ ماند، تا آن‌که در سال‌های اخیر نگهداری آن به یکی از فرزندانش، پروانه بهار، سپرده شد که در آمریکا سکونت داشت. سپس، به خواهش آقای میرانصاری و توجه خاص خاندان بهار، این نسخه از شاهنامه به ایران بازگردانده شد و، به اهتمام ایشان، به صورت عکسی به وجهی مطلوب و آراسته به چاپ رسید. حواشی بهار به همان صورت اصلی و به طور کامل در چاپ منعکس شده است.

چاپ مذکور مشتمل بر دو مقدمه از ویراستار، مقدمه اصلی شاهنامه بمبئی و متن کامل اثر و تعلیقات انتهایی آن است. در بخش اخیر، ابیاتی از شاهنامه که بهار توضیحی بر آنها نوشته کلاً استخراج شده است. تعلیقات شامل بخش‌های زیر است:

۱. ابیات تصحیحی: مشتمل بر اشعاری که بهار آنها را تصحیح قیاسی کرده است. بسیاری از این تصحیحات با ضبط مندرج در شاهنامه چاپ مسکو برابر است.
۲. ابیات تشکیکی: مشتمل بر مفرداتی از شاهنامه که بهار در اصالت انتساب آنها به فردوسی تردید داشته و شک خود را با علامت سؤال بیان کرده است.
۳. واژگان و ترکیبات فارسی.
۴. نکته‌های دستوری و بلاغی.
۵. نکته‌های تاریخی و ادبی.
۶. فهرست‌های آیات و احادیث؛ اعلام؛ اقوام، قبایل و خاندان‌ها؛ اماکن؛ کتاب‌ها. ویراستار، در دو مقدمه خود، مطالبی در باب شاهنامه و بهار و روش او در نگارش

حواشی آورده است. اینک یکی دو نمونه از یادداشت‌های بهار در حواشی شاهنامه به عنوان نمونه نقل می‌شود: در شرح بیت زیر:

نباشی بس ایمن به بازوی خویش خورد کام نادان زیهلوی خویش

آورده است: «این معنی مثلی است پارسی، چنان که شاعری گوید:

ظالم که کباب از دل درویش خورد چون درنگری زیهلوی خویش خورد
دنیا غسل است هر که زو بیش خورد خون افزایش تب آورد نیش خورد»

و در شرح بیت

کنون گاو ما را به چرم اندر است که پاداش بادافره دیگر است

نوشته است: «مثلی است به معنی آن‌که کاری نامعلوم و به پایان نبرده و مورد تردید باشد. مثل گاوی که هنوز در چرم است و تا سلاخی شود و گوشت او به خوردن رسد، طول دارد. این سومین بار است که این مثل در این کتاب ذکر شده است.»

بهار یکی از مؤلفان کتب ادبی درسی در زمان خود بوده؛ از این رو، یکبار هم شاهنامه را به منظور انتخاب برخی از قطعات آن برای دانش‌آموزان به دقت مطالعه کرده و، در حاشیه همین نسخه در چند مورد، به انتخاب‌های خود اشاره می‌کند.

□